

Social Values in the Qajar Era: A Phenomenological Study

1. **Pantea Baghdadi**

2. **Fatemeh Kateb***

1. Doctoral student of Art Research, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: f.kateb@alzahra.ac.ir Received: 17.04.2023 Acceptance: 11.11.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 3, Pp: 96-127
Autumn 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Baghdadi, P., & Kateb, F. (2023). Social Values in the Qajar Era: A Phenomenological Study, *spsich*, 2(3): 96-127.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

Social values are created and perpetuated within the social life context of community members and therefore, studying them helps in gaining a deeper understanding of society. Accordingly, this research aims to explore and comprehend the social values during the Qajar era. Utilizing a qualitative methodology based on a phenomenological approach, structured interviews were conducted with 15 sociologists, historians, and historical sociologists. The interviewees were selected through purposive sampling and snowball sampling methods. The collected findings were analyzed using the Colaizzi (1973) method and the Glaser and Strauss (1967) theoretical coding technique. The findings of this study are organized into two themes: "Pre-modern Qajar Social Values" with ten categories including "Chivalry/Generosity," "Belief in Divine Destiny," "Nobility and Freedom," "Spatial/Social/Ethnic/Religious Segregation," "Luxury and Attention to Appearances," "Purity and Modesty in Women," "Hospitality and Observance of Decorum and Respect," "Kinship and Helping Others," "Religiosity and Performance of Religious Rituals," and "Justice-oriented and Fairness"; and "Modern Qajar Social Values" with six categories "Patriotism," "Nobility and Freedom-seeking," "Advancement in Technology, Economics, Social, etc.,"

"Growth in Thought and Enlightenment," "Emphasis on Science and Education," and "Justice-oriented and Fairness." The analysis of the data extracted from the interviews indicates that the Qajar era represents a period of transition and fundamental transformation in the cultural fabric of society.

Keywords: Value, Social Value, Qajar Values, Qajar

ارزش‌های اجتماعی در دوران قاجار: پژوهشی پدیدارشناسانه

پانته آ بغدادی^۱
فاطمه کاتب*^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه پژوهشی هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
۲. استاد، گروه پژوهشی هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

f.kateb@alzahra.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی
تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۲۹۴-۲۸۲۱
http://journalspsich.com
دوره ۲ | شماره ۳ | صص ۹۶-۱۲۷
تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(بغدادی و کاتب، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

بغدادی، پانته‌آ، و کاتب، فاطمه. (۱۴۰۲).
ارزش‌های اجتماعی در دوران قاجار: پژوهشی
پدیدارشناسانه. مطالعات سیاسی-اجتماعی
تاریخ معاصر ایران، ۲(۳): ۹۶-۱۲۷.

چکیده

ارزش‌های اجتماعی در بافت زندگی اجتماعی افراد جامعه خلق می‌شوند و تداوم می‌یابند و به همین دلیل مطالعه‌ی آن‌ها به شناخت عمیق‌تر جامعه کمک می‌کند. بر این اساس، این پژوهش با هدف بررسی و شناخت ارزش‌های اجتماعی در دوران قاجار انجام شده است. با استفاده از روش کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی، با ۱۵ نفر از جامعه شناسان، تاریخ دانان و جامعه شناسان تاریخی مصاحبه ساخت نیافته انجام شد. مصاحبه شوندگان مبتنی بر نمونه گیری هدفمند و با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند. یافته‌های گردآوری شده مبتنی بر روش کلابزی (۱۹۷۳) و روش کدگذاری نظری گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش در ۲ مضمون «ارزش‌های اجتماعی پیشامدرن قاجار» با ۱۰ مقوله «جوانمردی/فتوت و بخشندگی»، «اعتقاد به سرنوشت الهی»، «وارسته و آزاد بودن»، «جدای گزینی فضایی/اجتماعی/قومی/مذهبی»، «تجمل گرایی و توجه به ظواهر زندگی»، «پاکدامنی و عفاف در زنان»، «مهمان نوازی و رعایت ادب

و احترام»، «خویشاوندی و کمک به دیگران»، «دین مداری و اجرای مناسک مذهبی» و «عدالت محوری و انصاف گری» و مضمون «ارزش‌های اجتماعی مدرن قاجار» با ۶ مقوله «وطن دوستی»، «وارستگی و آزادی خواهی»، «پیشرفت فناوری، اقتصادی، اجتماعی و...»، «رشد اندیشه وری و روشنفکری»، «توجه به علم و علم آموزی» و «عدالت محوری و انصاف گری» از تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه استخراج شده است. بررسی مجموعه‌ی ارزش‌های اجتماعی دوران قاجار گویای آن است که ما در این زمان با یک دوران گذار و تحول اساسی در بافت فرهنگی جامعه روبه‌رو هستیم.

کلیدواژه‌ها: ارزش، ارزش اجتماعی، ارزش‌های قاجاریه، قاجار.

مقدمه و بیان مسئله

مطالعه‌ی ارزش‌های اجتماعی (social value) همواره یکی از مهم‌ترین راه‌هایی بوده که نظریه‌های جامعه‌شناختی برای فهم کلیت جوامع انسانی به کار گرفته‌اند؛ ارزش‌های اجتماعی دریچه‌ای به سوی بخش‌های مادی و معنوی یک جامعه می‌گشایند و اجازه می‌دهند برساخته‌های آن جامعه را در پرتوی معنای نهفته در پس کنش‌های اعضای آن درک کنیم. در حقیقت سیستم ارزش‌گذاری‌ای که کنش‌های اجتماعی از آن تبعیت می‌کنند، نظم ویژه‌ای به پدیده‌های اجتماعی آن جامعه می‌بخشند و با ترسیم الگوی کنش‌های مطلوب طرحی از چشم‌انداز وسیع‌تر وضعیت مطلوب و راه حرکت به سوی آن را به دست می‌دهد.

در این میان مطالعه‌ی ارزش‌های اجتماعی جوامع گذشته دارای اهمیت ویژه‌ای است. زیرا علی‌رغم آنچه در نگاه نخست ممکن است در نظر آید مطالعه‌ی این ارزش‌ها امری صرف تاریخ‌نگارانه نیست. مطالعه‌ی ارزش‌های اجتماعی جوامع تاریخی، تنها ما را به فهم دوران‌های مورد بحث نزدیک نمی‌کند، بلکه در رابطه‌ای دوسویه خود آن جوامع را نیز به ما نزدیک می‌سازد و اجازه می‌دهد که سرچشمه‌های جامعه‌ی کنونی را در رابطه با گذشته درک کنیم. به دیگر سخن، مطالعه‌ی ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ای متعلق به گذشته، با شناسایی تبار پدیده‌های اجتماعی پلی به سوی فهم وضعیت کنونی آن جامعه بنا می‌کند.

در پژوهش حاضر ما به سراغ ایران عصر قاجار می‌رویم؛ زیرا این دوره در مسیر فهم ارزش‌های اجتماعی در ایران، دارای اهمیتی بنیادین است. این اهمیت برخاسته از موقعیت تاریخی سده‌ی سیزدهم شمسی و تقارن آن با آغاز مدرنیزاسیون در جامعه‌ی ایرانی است؛ به عبارت دیگر، آنچه از ایران امروز می‌شناسیم تا حد زیادی در این دوره شکل گرفته و شروع به تکوین کرده است. ما در این عصر با یک چرخش اساسی در فرهنگ ایرانی روبه‌رو هستیم به گونه‌ای که یک وضعیت رکود فرهنگی خاتمه می‌یابد و ساحت‌های فرهنگی جامعه، از جمله ارزش‌های موجود، با کمک نیروهای دگرگون‌کننده حیاتی دوباره می‌یابند. ما می‌کشیم در این پژوهش مبتنی بر منابع موجود، با استفاده از روش کیفی پرتویی بر وضعیت ایده‌آل‌های فرهنگی نزد اقدار مختلف جامعه‌ی عصر قاجار بیاندازیم تا بتوانیم تصویری کلی از ارزش‌های جامعه‌ی ایرانی در این عصر بیابیم.

البته مطالعات تاریخی مرتبط با عصر قاجار همواره دچار مشکلی اساسی در مواجهه با گذشته بوده‌اند؛ سیاست‌زدگی شدید پژوهش‌ها در مواجهه با امور تاریخی موجب شکل‌گیری آسیبی پژوهشی و ناتوانی بخش غالب پژوهش‌ها از ارائه‌ی درکی اجتماعی از این جامعه شده است. از این رو، ما بر آنیم تا حد امکان از این خطا دوری کرده و با عینکی اجتماعی، لایه‌های اجتماعی را برجسته و پررنگ سازیم. اما پیش از ورود به تحلیل ارزش‌های اجتماعی در دوره‌ی قاجار نیاز است که ابتدا مقدمات

لازم برای آن را فراهم آوریم؛ از این رو، در ادامه نخست به بسط نظری مفهوم ارزش اجتماعی و سپس ارزش‌های اجتماعی در ایران به صورت خاص خواهیم پرداخت.

ارزش

معنا و مفهوم ارزش، بسته به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه بسیار متکثر و پیچیده است. هر ارزش می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، با توجه به پیشینه‌ی تاریخی و سنتی خود معنایی متفاوت و حتی متضاد هم بیافریند. از این رو تعریف ارزش و به تبع آن ارزش‌های اجتماعی، همیشه ساده نیست. ارزش در زبان فارسی از مصدر ارزیدن و واژه ارزش در لغت به معنی اعتبار، بها، ارج و مقدار، قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، برازندگی، قابلیت است. اسم مصدر ارزیدن نیز دارای معانی قدر، قیمت کردن، قدردانی کردن، گرامری داشتن، برازنده بودن، اهمیت دادن و نظایر آن است (معین، ۴۰۲۳: ۸۴). اما تعریف و مطالعه‌ی ارزش در جامعه‌شناسی و ارزش‌های اجتماعی نیازمند مذاقه بیشتر است.

ارزش‌های اجتماعی

تعریف ارزش در جامعه‌شناسی و بررسی و مطالعه‌ی ابعاد آن، از آن رو حائز اهمیت است که ارزش جزء جدایی‌ناپذیر ساختار فرهنگی جامعه به شمار می‌رود و ارزیابی ارزش‌های اجتماعی در طول تاریخ و ثبت و تدقیق دگرگونی‌های آن، به جامعه‌شناس کمک می‌کند، تأثیر ارزش را بر کنش‌های اجتماعی صورت‌بندی کند. «پی بردن به نظام ارزشی جامعه، ما را با عناصر فرهنگی آن جامعه که سوق‌دهنده‌ی کنش و رفتار افراد است، آشنا می‌کند. نظام شخصیتی هر جامعه در بطن نظام ارزشی آن جامعه نهفته است و با کسب آگاهی و بینش درباره‌ی این نظام ارزشی می‌توان به بررسی تأثیر و تأثر آن بر نظام شخصیتی آن جامعه دست یافت. ارزش‌ها الگوهای رفتاری عینی-ذهنی نسبتاً پایداری هستند که مطلوبیت آنها از سوی افراد جامعه برای مدت زمان معینی پذیرفته و به مثابه‌ی راهنمای اعمال انسان‌ها عمل می‌کند. نظام ارزشی مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که افراد جامعه درباره‌ی آنها توافق نسبتاً زیادی دارند و از خود و اطرافیان انتظار دارند که این ارزش‌ها را مطلوب دانسته و مطابق با آنها رفتار نمایند» (پوریانی، ۱۳۸۵: ۵۱).

ارزش‌ها از منظر جامعه‌شناسی، پدیده‌هایی هستند که مطلوبیت دارند و از نگاه اکثریت جامعه به عنوان خوب یا بد پذیرفته می‌شوند. «ارزش عبارت است از اندیشه‌ها و تصورات از آنچه یک فرهنگ خاص به آنها به عنوان خوب یا بد، متمایل یا غیرمتمایل توجه دارد». هم چنین ارزش در نگاهی دیگر «عبارت است از ترکیبی از ایده‌ها و نگرش‌هایی که طیف‌هایی را برای رجحان غرض‌ها و اعمالی که برای دستیابی به اهداف مورد نظر لازم است، در اختیار ما قرار می‌دهد» (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۴).

آنچه در تعاریف بالا از ارزش نمایان است، وجود وفاق و اشتراک در احساسات، عقاید و باورهای جامعه است. ارزش‌های یک جامعه، در یک توافق جمعی به صورت ضمنی یا عینی به دست می‌آید. همانطور که بروس کوئن^۱ می‌گوید: «ارزش‌ها احساسات ریشه‌داری هستند که اعضای یک جامعه در آنها سهیم‌اند و همین احساسات غالباً اعمال و رفتارهای اعضای جامعه را تعیین می‌کند» (کوئن، ۱۳۷۵: ۳۸). هم‌چنین گرهارد لنسکی^۲، جامعه‌شناس آمریکایی ارزش‌ها را باورهای تعمیم یافته‌ای می‌پندارد که در یک گروه مشترک باشند (سعادت، ۱۳۹۷: ۴۳).

در نتیجه ارزش‌ها مورد قبول اکثریت جامعه هستند و به بیان روشن‌تر ارزش، زمانی وزن بیشتری در تفکر جمعی افراد دارد که رشته‌های مستحکمی در ذهن و باورهای اعضای جامعه‌ی خود داشته باشد. اما این ارزش‌ها ثابت یا ایستا نیستند و در یک بستر تاریخی و اجتماعی تغییر، تعدیل و حتی حذف می‌شوند. بنابراین ارزش‌ها در یک جامعه از طرفی در گذشته و سنت ریشه دارند و از طرف دیگر با توجه به مقتضیات جامعه‌ی جدید، تغییر می‌کنند و ممکن است به شکل متضاد یا متناقض خود بدل شوند. از همین جهت می‌توانیم یک سؤال اساسی در اینجا مطرح کنیم؛ ارزش‌های اجتماعی چگونه شکل می‌گیرند؟

آلن بیرو^۳، ارزش‌های اجتماعی را قواعد و ارزش‌های اجتماعی که به عنوان احکام جمعی مورد پذیرش جامعه و یا گروه قرار گرفته‌اند و مبنای عمل، رفتار و قضاوت درباره‌ی رفتارها، وقایع و پیامدهای اجتماعی هستند، تعریف کرده و تأکید دارد که ارزش‌های شخصی، فرهنگی، قضایی و... از ارزش‌های اجتماعی متمایز نیست (آلن بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۶). ارزش‌های اجتماعی بیانگر الگوهای کلی رفتار و هنجارهای کرداری هستند که مورد پذیرش اعضای جامعه بوده، اعضای جامعه در برابر آنها به وفاق رسیده‌اند و حیات اجتماعی خود را با آنها می‌گذرانند (شهبانی و ربانی، ۱۳۸۸). اروین اولسون نیز ارزش‌ها را مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به چیزهای پسندیده می‌داند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه است. همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۵: ۵۷). نکته‌ی مهم جامعه‌شناختی در اینجا این است که این وفاق جمعی در خلاء به وجود نمی‌آید و بر پایه‌ی یک خرد جمعی متکی است. پرویز صانعی در کتاب «جامعه‌شناسی ارزش‌ها» می‌نویسد: «مقصود از ارزش‌ها انواع گوناگون واقعیات و اموری هستند که احتیاجات انسان را برآورده می‌کنند. به عبارت دیگر، ارزش‌ها واقعیات‌های مرجح هستند» (صانعی، ۱۳۷۷: ۳۲). واقعیتهایی که کارکرد اجتماعی نیز دارند؛ چنانچه ارگیل^۴ معتقد

1. Bruce Cohen

2. Gerhard Lenski

3. Alain Birou

4. Ergil. D

است ارزش‌های اجتماعی اعتقادات اخلاقی و اصول اخلاقی است که توسط اکثریت پذیرفته شده‌اند تا اعتماد، عدالت، تعهد و اطمینان از تداوم یک جامعه باشد. ارزش‌ها، منتزع از روابط اجتماعی متعامل و ساخت یافته‌ای است که شبکه‌ها و پایگاه‌های اجتماعی آن را نهادینه کرده و در نظام شخصیتی افراد جامعه بر اساس مکانیسم جامعه‌پذیری، در طول زندگی اجتماعی، درونی شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (ارگیل، ۱۹۸۴).

ارزش‌های اجتماعی می‌تواند به پدیده‌های مختلفی در جامعه اطلاق شود. این پدیده‌ها در دسته‌بندی‌های گوناگون مانند ارزش‌های مادی یا غیرمادی، ارزش‌های معنوی و فرهنگی و طبقه‌بندی‌هایی از این دست قرار می‌گیرند. از نظر جرج ریتزر^۱، ارزش‌های اجتماعی در زمره‌ی واقعیات اجتماعی غیرمادی به شمار می‌روند (ریتزر، ۱۳۷۴). اسملسر نیز ارزش‌های اجتماعی را از نوع استانداردهای فرهنگی می‌داند که اهداف کلی مطلوب برای زندگی اجتماعی سازمان‌یافته را مشخص می‌کند. اما این تعاریف مورد مناقشه است و تفکیک امور مادی و غیرمادی در تعریف ارزش‌های اجتماعی از سوی برخی نقد می‌شود. ژان کازنو^۲ معتقد است عقاید هنجارها، شناسایی‌ها، فنون و اشیا مادی که افکار و گرایش‌ها در پیرامون آن شکل گرفته و به تجربه رسیده‌اند، ارزش‌های اجتماعی یک گروه را تشکیل می‌دهند (کازنو، ۱۳۷۷: ۶۶). هم‌چنین وئوقی نیز ارزش‌های اجتماعی را چیزهای مادی و غیرمادی می‌داند. او معتقد است ارزش‌های اجتماعی شامل همه‌ی چیزهای مطلوب یا نامطلوبی است که مورد علاقه‌ی انسان است. هر امری مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند، یا هرچیز گران‌بها و سودمند، از جمله‌ی ارزش‌های اجتماعی است (وئوقی، ۱۳۸۱: ۱۹۲ به نقل از ساعی و وطنی، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ارزش‌های اجتماعی ایستا نیستند و در طول زمان، با توجه به شرایط گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کنند. اینگلهارت و ولزل معتقدند ارزش‌ها و اعتقادات بنیادین مردم در حال تغییر است. تغییری که بر رفتار سیاسی، جنسی، اقتصادی و مذهبی آنها تأثیر می‌گذارد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). این تغییرات از ابتدای قرن نوزده همراه با مدرنیزاسیون جامعه و توسعه‌ی اقتصادی، شتاب بیشتری نیز گرفته است. «مدارک و بررسی‌های مختلف از سراسر جهان نشان می‌دهد که توسعه‌ی اقتصادی، جوامع را به یک جهت تقریباً قابل پیش‌بینی سوق می‌دهد؛ صنعتی‌شدن به تخصصی‌شدن مشاغل، افزایش سطح تحصیلات، افزایش سطح درآمد و هم‌چنین تغییرات پیش‌بینی‌نشده مانند تغییرات در نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها

1. George Ritzer

2. Jean Cazneuve

نسبت به اقتدار و هنجارهای جنسیتی، کاهش میزان باروری و گسترش مشارکت سیاسی منجر می‌شود» (ودادهیر و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

این واقعیت که ارزش‌های اجتماعی دستخوش تغییر می‌شوند، این مسئله را کتمان نمی‌کند که این ارزش‌ها، متزلزل یا بی‌ثبات هستند. بلکه یکی از ویژگی‌های ارزش‌های اجتماعی تداوم و ماندگاری آن در طول زمان است. «ارزش‌های اجتماعی به دلیل ثبات و عجین شدن با فرهنگ و رفتار جامعه با از بین رفتن گروه، از بین نمی‌روند و بلکه ارزش‌ها از طریق هنجارها و رفتارها از نسلی به نسل بعد انتقال می‌یابند» (سعادت، ۱۳۹۷: ۵۶). در اینجا مقصود از پویایی ارزش‌های اجتماعی، تغییرات در زمانی و در مکانی آن است که مانند هر پدیده‌ی اجتماعی دیگر وابسته به شرایط مختلف تغییر می‌کند و پایه‌ی تحولات اجتماعی در جوامع مختلف دستخوش دگرگونی می‌شود. جدول زیر، تعریف ارزش‌های اجتماعی را از نظر صاحب‌نظران داخلی و خارجی به طور خلاصه مرور می‌کنیم.

جدول ۱. تعریف ارزش‌های اجتماعی

صاحب نظران	تعریف ارزش‌های اجتماعی
Alain Birou	قواعد و ارزش‌های اجتماعی به عنوان احکام جمعی مورد پذیرش جامعه و یا گروه قرار گرفته‌اند و مبنای عمل، رفتار و قضاوت درباره‌ی رفتارها، وقایع و پیامدهای اجتماعی هستند.
شهبانی و ربانی	ارزش‌های اجتماعی بیانگر الگوهای کلی رفتار و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش اعضای جامعه بوده، اعضای جامعه در برابر آنها به وفاق رسیده‌اند و حیات اجتماعی خود را با آنها می‌گذرانند.
صانعی	مقصود از ارزش‌ها انواع گوناگون واقعیات و اموری هستند که احتیاجات انسان را برآورده می‌کنند. به عبارت دیگر، ارزش‌ها واقعیت‌های مرجح هستند.
Ergil	ارزش‌های اجتماعی اعتقادات اخلاقی و اصول اخلاقی است که توسط اکثریت پذیرفته شده‌اند تا اعتماد، عدالت، تعهد و اطمینان از تداوم یک جامعه باشد.
jean cazneuve	عقاید، هنجارها، شناسایی‌ها، فنون و اشیای مادی که افکار و گرایش‌ها در پیرامون آن شکل گرفته و به تجربه رسیده‌اند، ارزش‌های اجتماعی یک گروه را تشکیل می‌دهند.
اروین اولسون	ارزش‌ها مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به چیزهای پسندیده است که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه است.
وثوقی	ارزش‌های اجتماعی شامل همه‌ی چیزهای مطلوب یا نامطلوبی است که مورد علاقه‌ی انسان است. هر امری مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند، یا هرچیز گرانبها و سودمند، از جمله‌ی ارزش‌های اجتماعی است.
Bruce Cohen	ارزش‌ها احساسات ریشه‌داری هستند که اعضای یک جامعه در آنها سهیم‌اند و همین احساسات غالباً اعمال و رفتارهای اعضای جامعه را تعیین می‌کند.

ارزش‌ها را باورهای تعمیم‌یافته‌ای هستند که در یک گروه مشترک باشند.	Gerhard Lenski
ترکیبی از ایده‌ها و نگرش‌ها که طیف‌هایی را برای رجحان غرض‌ها و اعمالی که برای دستیابی به اهداف مورد نظر لازم است، در اختیار ما قرار می‌دهد.	محسنیان راد

منبع: سعادت (۱۳۹۷) (با تلخیص)

ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی

ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی در بسیاری موارد و حتی در متون علمی و تخصصی، مترادف یکدیگر و هم‌رتبه با هم در نظر گرفته می‌شوند. اما از نظر کارشناسان علوم اجتماعی، این مفاهیم علی‌رغم اشتراکات اساسی، در تعریف نظری و عملیاتی تفاوت‌های قابل توجهی دارند. هنجارها قواعد و رهنمودهای مشترکی هستند که رفتار مناسب را در وضعیتی معین مقرر می‌دارند. هنجارها تعیین می‌کنند که مردم چگونه در شرایط معین در یک جامعه‌ی خاص باید رفتار کنند (قلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۲). ارزش‌های اجتماعی هر جامعه از راه هنجارهای اجتماعی آن تحقق می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت میزان عظیمی از کنش‌های متقابل و مهم اجتماعی به‌وسیله‌ی هنجارها هدایت می‌شوند که ناظر بر اعمال انسان‌ها هستند (صارمی، ۱۳۸۱: ۹۵). اگر ارزش‌های اجتماعی «اصول مورد پذیرش و تصدیق مردم در نظر گرفته شوند»، هنجارهای اجتماعی، انعکاس این اصول در قواعد و راه و رسم زندگی مردم به شمار رفته و برای حفظ این ارزش‌ها پدید می‌آیند (صدادتی‌فرد، ۱۳۸۹: ۴۵). آنچه که از آن به هنجار تعبیر می‌شود، در واقع چیزی متفاوت از ارزش‌های یک جامعه نیست، بلکه شکل عینیت‌یافته برای تحقق ارزش‌های اجتماعی است. اگر ارزش‌ها را مفهوم و باور در نظر گرفت، هنجارها را می‌توان شکل، خطوط راهنما و روش و قواعد دستیابی به ارزش‌ها بیان نمود. هنجارها شکل عینی، بیرونی و محسوس ارزش‌ها هستند، در حالی که ارزش‌ها مفهوم‌اند و نوعی درجه‌بندی ذهنی تلقی می‌شوند و انتزاع آن از هنجارها در واقع امکان ندارد و باعث بی‌معنایی هنجار در سطح جامعه می‌گردد (قلی‌زاده، ۱۳۸۸).

بدین ترتیب می‌توان گفت که ارزش‌ها هدف محسوب شده و هنجارها راه رسیدن به هدف هستند. ارزش‌ها زمینه‌ی شکل‌گیری هنجارها را ایجاد می‌کنند و هنجارها جنبه‌ی عینی و دستوری ارزش‌ها تلقی می‌شوند. ارزش‌ها جزء باورها هستند. هنجارها ریشه در ارزش‌ها دارند. هنجارها قاعده‌ی رفتار هستند. رفتارها، عمل کردن مطابق آن قاعده‌ها، (هنجارها) است (سعادت، ۱۳۹۷). در جدول زیر تفاوت مفهومی ارزش‌ها و هنجارها، بر اساس آنچه گفته شد، به اختصار آمده است؛

جدول ۲. ارزش‌ها و هنجارها

ارزش	هنجار
ارزش‌ها عام‌تر هستند.	هنجارها خاص‌تر هستند.
ماهیت ذهنی دارند و پذیرش برخی واقعیت‌های مربوط به جهان هستی هستند.	مربوط به عمل کنش‌گران می‌باشند. یعنی همان قواعد رفتاری که افراد باید به آن عمل کنند.
به قلمرو و تصورات ذهنی و احساسات درونی تعلق دارند.	تعیین‌کننده رفتار و عمل بیرونی هستند.
مفهوم «خوب» و «بد» را می‌رسانند.	به «باید» و «نباید»ها اشاره دارند.
تصورات کلی هستند.	الگوهای عملی (دستورالعمل‌های جزئی) هستند.
منشأ همبستگی و وفاق ملی هستند.	به صورت عملی باعث تداوم و وحدت اجتماعی می‌شوند.
معمولاً به صورت یک کلمه مفرد یا مرکب بیان می‌شوند. (مانند نظم، دین‌داری، محبت، صداقت)	هنجارها در قالب یک جمله یا به صورت یک عبارت آورده می‌شوند (مانند توقف ممنوع)
منعکس‌کننده‌ی نیازهای طبیعی و اجتماعی انسان هستند.	هنجارها اموری کاملاً قراردادی و قابل تغییر هستند.

منبع: چلبی (۱۳۷۵)، تلخیص: سعادت (۱۳۹۷)

ارزش‌های اجتماعی در ایران

ارزش‌های اجتماعی سهم بزرگی از فرهنگ هر جامعه را پُر می‌کنند. «ارزش‌ها معیارهایی را تشکیل می‌دهند که رفتار افراد بر اساس آنها داوری و قضاوت می‌شود. به این ترتیب آنها نقش راهنما را در تعاملات اجتماعی دارند. مطالعه‌ی ارزش‌های یک جامعه اهمیت زیادی برای شناخت نحوه‌ی تعاملات اجتماعی اعضای آن دارد» (ایمانی، ۱۳۸۵: ۳۸).

بنابراین شناخت تعاملات و کنش‌های اجتماعی در یک جامعه، مستلزم شناخت ارزش‌های آن جامعه در سطوح مختلف است؛ «سطوح ارزش‌ها نیز قابل توجه است. برخی ارزش‌ها «جهانی» هستند و تقریباً برای تمامی آدمیان پذیرفته شده‌اند؛ مانند ارزش‌های مربوط به حق حیات. برخی دیگر «ملی» هستند؛ مانند ارزش‌های مربوط به پوشش زنان در کشورهای مسلمان. در آخرین سطح نیز ارزش‌های «محلی» قرار دارند. این ارزش‌ها برای افراد متعلق به یک گروه قومی یا ساکن در یک منطقه‌ی جغرافیایی اهمیت دارند» (ایمانی، ۱۳۸۵: ۳۹). ارزش‌های ملی و منطقه‌ای همیشه مورد توجه جامعه شناسان و انسان‌شناسان بوده است؛ چرا که مطالعه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای یک ملت، شناخت دقیقی از روحيات و خُلقیات آنها به ما می‌دهد و می‌توانیم درک عمیق‌تری از پدیده‌های اجتماعی و تاریخی جامعه داشته باشیم.

ارزش‌های اجتماعی در ایران نیز به دلیل سابقه‌ی تمدنی چندهزارساله در منطقه، همواره مورد توجه اندیشمندان ایرانی و خارجی بوده است. این موضوع را می‌توان در اندیشه‌های یونانیان و رومیان (قدیمی‌ترین صاحب‌نظران تاریخ) چون هردوت، افلاطون، آیسخولوس، سیسیلی، آمیانوس و... مشاهده کرد. فائزه عقیقی در پژوهشی ویژگی‌های برجسته‌ی نظامی ایرانیان باستان از منظر نویسندگان غیرایرانی را بررسی کرده و خصوصیات‌ی چون خردمندی و تدبیر نظامی، شجاعت و وطن‌پرستی، نظم و قانون در امور لشگری، صلح و مدارا، نیکی با آسرای جنگی و غرور و اقتدار نظامی را در آثار این نویسندگان برجسته کرده است. شناخت ویژگی‌های نظامی که در دوره‌ی باستان، از ویژگی‌های بسیار مهم برای هر ملتی قلمداد می‌شد، می‌تواند پرتویی بر ارزش‌های ایرانیان در این دوره بیان‌دازد و خصایل اخلاقی آنان را در دوره‌ی باستان روشن کند (عقیقی، ۱۴۰۱).

از طرف دیگر نگاهی به فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در ایران باستان که تحت تأثیر دستورات و تعالیم مذاهب و آیین‌های هر دوره قرار داشته، گوشه‌ای از ارزش‌های اجتماعی ایرانیان را در دوران باستان، در پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد. چنانچه می‌توان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت را در این دوران در سه مقوله زیر دسته‌بندی کرد:

جدول ۳. ارزش‌های تربیتی ایرانیان در دوران باستان

ارزش‌های تربیتی ایرانیان در دوران باستان	تعریف
خدمت به اجتماع و کشور	خدمت به اجتماع؛ به وسیله‌ی ارتقا دانش شخص و خدمت مطلوب به کشور و مردم سرزمین خود
خدمت به خانواده	کمک به خانواده؛ چه از لحاظ مادی و چه معنوی و انتقال آن به نسل‌های بعدی
بهبود حال و برتری بر دیگران	پیشرفت‌های مادی و معنوی و تسلط بر امور

منبع: حاجی میرآقا و رنجبی (۱۳۹۵)

هم‌چنین این موضوع را می‌توان در سفرنامه‌های اروپاییان به ایران در دوره‌های مختلف مشاهده کرد. سفرهای خارجی به ایران و نوشتن سفرنامه‌هایی که خلق‌و‌خو، عادات و رسوم ایرانیان در آنها گزارش می‌شد، در دوره‌ی ناصری، همزمان با رقابت‌های استعماری روس و انگلیس در ایران، افزایش چشمگیری داشت و دربار دوره‌ی ناصری را درباری پرتکاپو کرد که محل رفت‌وآمد سفرا، سیاحان، مورخان، جغرافی‌نگاران و گزارشگران شد. بیشتر مأموران انگلیسی همواره به اصالت، نژاد، منش، ذکاوت، وقار، حسن سلوک، گذشت، مهمان‌نوازی و سخاوت و ادب ایرانیان توجه کرده‌اند. ویلز به ویژه از آداب اخلاقی خانواده‌های ایرانی یاد کرده و به رعایت ادب و احترام شدید به پدر نزد خانواده

اشاره کرده است (ویلز، ۱۳۶۸ به نقل از شهیدانی و مهدی‌نسب، ۳۹۷: ۱۶۲). هم‌چنین مهمانی‌ها و آداب مربوط به آن، از مهم‌ترین جنبه‌های مثبت آداب و رسوم و اخلاق و رفتار ایرانیان بود که توجه مأموران انگلیسی را برانگیخت. از جنبه‌های آداب و معاشرت در بین ایرانیان مراسم استقبال و خوش آمدگویی و بدرقه بود که در مهمانی‌های ایرانیان، بسته به مقام مهمان، متفاوت بود. (شهیدانی و مهدی‌نسب، ۳۹۷: ۱۶۳). هم‌زمان با تغییرات سیاسی و اجتماعی در ایران معاصر و تأسیس دانشگاه، فرم‌های پژوهش در ایران پیشرفت چشم‌گیری را تجربه کرد و ارزیابی پدیده‌های اجتماعی از مطالعه‌ی آثار نویسندگان دیگر و سفرنامه‌ها به شکل تحقیقات دانشگاهی و پژوهش‌های علمی در آمد. «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» نخستین پیمایش ملی در ایران بود که قبل از انقلاب اسلامی با این موضوع بر روی چهارهزار و ۴۲۰ نفر در سطح شهر و روستا انجام شد. بعد از انقلاب نیز در سال ۱۳۷۴، پژوهشی با نام «بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران» در مناطق شهری انجام شد. (طالبان و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲). بعد از آن در سال ۱۳۷۹، موج اول پیمایشی ملی به نام «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» توسط وزارت فرهنگ و ارشاد انجام گرفت. موج دوم و سوم این پژوهش به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ پیگیری شد. در تحقیقات ذکرشده، ارزش‌های مادی و غیرمادی مانند رفاه و امنیت، گذشت، صداقت، امانتداری، اعتماد اجتماعی و... به عنوان شاخص‌های ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر شاخص ارزش‌هایی که در یک پژوهش، از پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» به روش تحلیل ثانویه استخراج شده، به طور خلاصه آمده است؛

جدول ۴. شاخص ارزش‌های اجتماعی

بعد	ارزش‌های اجتماعی
مادی	رفاه و آسایش
	امنیت
	استمداد از دین
غیر مادی	گذشت
	صداقت و راست‌گویی
	خیرخواهی و کمک به دیگران
	امانتداری
	انصاف
	پایبندی به قول و قرار
	احترام به آبرو
	رضایت از زندگی
	اعتماد اجتماعی

مشارکت اجتماعی

مشارکت سیاسی

منبع: طالبان و همکاران (۱۳۸۹) با تلخیص

تقسیم‌بندی دیگری که از مدل‌های بومی و تحقیقات داخلی می‌توان در اینجا به آن اشاره کرد، مجموعه‌ی ده ارزشی حسین لطف‌آبادی است که شامل ارزش‌های فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی و ارزش‌های جهانی می‌شود. هر یک از این ارزش‌ها نیز مقیاس و مؤلفه‌هایی دارد که برای سنجش سطح ارزش در درون جامعه استفاده می‌شوند (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۴۲).

جدول ۵. ارزش‌ها و مقیاس‌ها

ارزش‌ها	مقیاس‌ها
فردی	فردیت‌گرایی، سودجویی شخصی، رفاه و آسایش شخصی، شادمانی، شوق زندگی، درستکاری، تعادل روانی
خانوادگی	تعلق، وفاداری، مراقبت، امنیت خانواده
اقتصادی	اهمیت ثروت، مالکیت، پیشرفت اقتصادی، سودمندی امور
سیاسی	مسائل مربوط به قدرت و تسلط، آزادی، برابری، احزاب سیاسی، مسئولیت شهروندی
اجتماعی	صمیمیت در روابط انسانی، مشارکت، قانون‌مداری، نظم اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، نگرش‌های اجتماعی
هنری	زیبایی‌دوستی، توجه به آثار هنری، آفرینش هنری، تحسین زیبایی‌های طبیعی، جاودانگی جمال
علمی و نظری	حقیقت‌جویی، تجربه‌گرایی و استدلالی بودن، خرمندی، سازمان دادن به معرفت، انتقادی‌نگری
دینی	باورهای قدسی، تجربه و عملکرد دینی، پرهیزکاری، وحدت‌جویی، گرایش عرفانی
ملی	ایران‌دوستی، تعلق به فرهنگ ملی، امنیت ملی، دفاع از سرزمین
جهانی	نگرش به غرب و غرب‌گرایی، نگرش به جهانی شدن، نگرش به مسئله فمینیسم

منبع: لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳)

ارزش‌های اجتماعی در دوره‌ی قاجار

مسیر مطالعه‌ی ارزش‌های اجتماعی، به ویژه هنگامی که صحبت از جامعه‌ای در گذشته به میان می‌آید، دچار ناهمواری‌ها و دشواری‌های بسیاری است؛ دشواری‌هایی که نقشی تعیین‌کننده در صورت‌بندی نهایی مسئله ایفا می‌کنند. از این‌رو، ضرورت دارد در اینجا پیش از ورود به بحث اصلی به نکاتی درباره‌ی این دشواری‌ها اشاره کنیم. بخشی از این دشواری‌ها روش‌شناختی بوده و برآمده

از مشکلات استخراج ارزش‌ها از دل مطالعات تاریخی است. اما بخش دیگر از این دشواری‌ها تا حدی ریشه در بنیادهای نظریه‌های جامعه‌شناختی دارد. جامعه‌شناسی کلاسیک مروج این رویکرد تک‌بعدی بود که جوامع سنتی دارای ارزش‌های اجتماعی یکپارچه و یکدست هستند. چنانچه در تقسیم‌بندی مشهور دورکیم دیده می‌شود، این جوامع با جایگیری ذیل مفهوم مکانیکی دچار نوعی سوءبرداشت یک‌دست‌کننده می‌شوند؛ برداشتی که با تأکید بر همانندی‌ها، به عنوان عناصر قوام‌بخش جامعه، ساختار تفاوت‌ها، از جمله تفاوت در ارزش‌های اجتماعی را در جوامع سنتی عموماً بی‌اهمیت می‌انگارد. از این منظر، در جوامعی که همبستگی به صورت مکانیکی برقرار است، افراد یا درون جوامع قرار دارند یا بیرون از آن و موقعیت‌سومی را نمی‌توان برای افراد متصور شد (کرایب، ۱۳۸۹: ۱۲۷). اما رجوع به تاریخ اجتماعی جوامع گویای آن است که در جوامع پیچیده‌تر، زیرسیستم‌های گوناگونی می‌تواند وجود داشته باشند که هر یک به وسیله‌ی شاخص‌های گوناگونی، از جمله ارزش‌های اجتماعی‌شان، از دیگری تمایز بیابند. به عبارت دیگر در یک سیستم پیچیده، امکان این وجود دارد که بخش‌های مختلف سیستم در عین اشتراکات بر تفاوت‌ها نیز تأکید کرده و موقعیتی سوم (نه کاملاً بیرون و نه کاملاً درون) را برای خود تعریف کنند.

نکته‌ی یادشده موضوعی است که توجه به آن برای پژوهش‌های حوزه‌ی ارزش‌های اجتماعی در جامعه‌ی ایرانی ضرورت دارد. زیرا جامعه ایرانی را به سبب ساختار تاریخی و تمدنی‌اش به عنوان سیستمی پیچیده باید تلقی کرد (وکیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۴). این پیچیدگی به معنای آن است که اگر ما بخواهیم ایران را یک واحد اجتماعی در نظر آوریم، ناگزیر با طیف وسیعی از ارزش‌های اجتماعی‌ای روبه‌رو خواهیم بود که بایکدیگر دارای تفاوت و در مواردی تضاد هستند. دوران قاجار به عنوان دوران مورد بحث ما نمونه‌ی کاملی از همین وضعیت است.

جامعه‌ی ایرانی در آغاز دوران قاجار را جامعه‌ای موزاییکی نامیده‌اند؛ جامعه‌ای که بافت قومی، مذهبی و اجتماعی آن به شدت دارای تنوع بوده است و هر یک از این موزاییک‌های رنگارنگ با ارزش‌های اجتماعی خاص خود، در عرصه‌ی عمومی نقش‌آفرینی کرده و در کنار یکدیگر جای گرفته‌اند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۵). از این‌رو، در رجوع به پدیده‌ی ارزش‌های اجتماعی باید به خاطر داشته باشیم که توضیح ساختار ارزش‌های اجتماعی در دوره‌ی قاجار، موضوعی پیچیده بوده و نیازمند پژوهش‌هایی دامنه‌دار و چندجانبه است زیرا ما به هنگام استخراج و دسته‌بندی ارزش‌های اجتماعی نمی‌توانیم به آسانی ارزش استنتاج‌شده از یک بخش را به کل جامعه تعمیم دهیم. همین معضل تئوریک موجب شده است که ما در سیر پژوهش خود با مجموعه‌ای از ارزش‌هایی روبه‌رو باشیم که میزان عمومیت آن‌ها در بخش‌های گوناگون جامعه‌ی ایران در عصر قاجار یکسان نیست. از این‌رو، نیازمند تأکید است که اصل راهنمای پژوهش حاضر نه جامعیت، بلکه ارائه‌ی ارزش‌های

عمومی و مشترک در ایران عصر قاجار است و می‌کوشد طیفی از ارزش‌های اجتماعی را مورد توجه قرار دهد که از نظر پژوهشگران قابل اعتنا بوده و بر روی آن‌ها اجماع پژوهشی وجود دارد.

روش پژوهش

هدف پژوهش، درک و شناخت عمیق ارزش‌های اجتماعی در دوران قاجار می‌باشد، بدین منظور از روش کیفی استفاده گردید چرا که هرگاه هدف مطالعه، مطالعه گروهی از افراد یا دوره‌ای خاص، به اشتراک گذاشتن تجربیات و درک و فهم مسئله‌ای مدنظر باشد، از پژوهش کیفی استفاده می‌کنیم (کرسول^۱، ۲۰۰۷: ۴۰). از میان رویکردهای پژوهش کیفی، جهت پاسخ به سوالات پژوهش، رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انتخاب شد. این رویکرد بر درک ذات پدیده تاکید داشته و ساختار انواع گوناگون تجربیات افراد از پدیده مورد نظر از آگاهی، تخیل، اراده، ادراک و یادآوری و... تا فعالیت اجتماعی را بررسی می‌کند (آبالوس، لوکین و شون‌هوفر^۲، ۲۰۱۶).

با توجه به اینکه در پژوهش‌های کیفی، هدف درک و شناخت عمیق مسئله پژوهش می‌باشد؛ بنابراین جهت گردآوری اطلاعات افرادی خبره و آگاه از مسئله پژوهش انتخاب می‌شوند به نوعی که به بهترین وجه به درک و شناخت پژوهشگر از مسئله مورد نظر کمک کنند. بر این اساس، با توجه به هدف پژوهش تمام تاریخ شناسان، جامعه شناسان و جامعه شناسان تاریخی به عنوان جامعه شناسایی که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی انتخاب شدند. در رویکرد نمونه‌گیری هدفمند، افراد با این هدف که بهترین اطلاعات در مورد مسئله پژوهش را بدهند، انتخاب می‌شوند. پس از شناسایی نفرات اول، با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی از آن‌ها خواسته شد تا سایر همکاران خود را که مستعد و مطلع از موضوع پژوهش هستند و قادر به پاسخگویی به سوالات پژوهش می‌باشند، معرفی نمایند. در این روش نمونه‌گیری، انتخاب افراد بر اساس شبکه‌ها انجام گرفته و ارتباط پژوهشگر با تعداد اندکی از افراد یا سازمان‌ها او را به سوی افراد دیگر هدایت می‌نماید (اتیکان و بالا^۳، ۲۰۱۷).

به اعتقاد پاتون^۴ (۱۹۸۹) حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی کوچک بوده و تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌دهیم؛ یعنی جمع‌آوری یافته‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که پژوهشگر به پاسخ تمامی سوالات خود رسیده و بعد از آن، اطلاعات تکراری خواهند شد (گال، بورگ و گال^۵، ۱۳۸۴).

^۱ Creswell

^۲ Abalos, Locsin & Schoenhofer

^۳ Etikan & Bala

^۴ Patton

^۵ Gall, Borg & Gall

بنابراین پژوهشگر، مصاحبات خود را با جامعه‌شناسان، تاریخ‌شناسان و جامعه‌شناسان تاریخی در دسترسی که از موضوع پژوهش آگاهی دارند و علاقمند به شرکت در پژوهش هستند، آغاز نمود و سپس از آن‌ها خواسته شد تا سایر همکاران مطلع و آگاه خود را معرفی نمایند. پژوهشگر با بررسی تجربیات و اطلاعات پژوهیده‌ها، در مصاحبه ۱۳ به اشباع نظری رسید، اما جهت اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش ۲ مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت.

روش گردآوری یافته‌ها: بهترین روش گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی، مصاحبه است، چرا که در این روش، موقعیتی فراهم شده تا به عمق تجربیات پژوهیده‌ها دست یافت و شناخت جامع و کاملی از مسئله پژوهش حاصل گردد (عابدی، ۱۳۸۹). در این پژوهش از میان انواع مصاحبه (ساختاریافته، نیمه ساختاریافته، ساخت ناپافته)، مصاحبه ساخت ناپافته جهت گردآوری یافته‌ها از مصاحبه شونده‌گان انتخاب گردید. ضمن رعایت نکات قبل، هنگام و بعد از مصاحبه، با ۱۵ نفر از افراد مصاحبه انجام گردید و یافته‌های گردآوری شده جهت تجزیه و تحلیل وارد محیط Maxqda20 شد.

روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها: ضمن انتقال کامل مصاحبات ضبط شده به محیط نرم افزار Maxqda20 تجزیه و تحلیل یافته‌ها آغاز گردید. روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها مبتنی بر روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ (۱۹۷۳) به شرح ذیل می‌باشد:

۱- پوخه قرار دادن ذهنیات: پژوهشگر تجربیات خود را در پرانتز قرار داده و بدون هیچگونه پیشداوری و سوتفسیر یافته‌های مصاحبه به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش بپردازد.

۲- رونویسی تمام توضیحات افراد و اطمینان از انتقال کامل فایل صوتی به فایل متنی آن‌ها را وارد نرم افزار MAXQDA20

۳- استخراج جملات مهم: پس از انتقال فایل متنی مصاحبه‌ها به محیط نرم‌افزار MAXQDA20 خوانش متن و کدگذاری متون انجام شد. برای کدگذاری یافته‌ها از روش کدگذاری نظری گلیر و اشتراوس^۲ (۱۹۶۷) استفاده شد که مبتنی بر سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی است.

۴- ایجاد معانی تدوین شده: کدهای اولیه مرتبط به یکدیگر در مجاورت هم قرار گرفته و تحت عنوان مقوله استخراج می‌شوند.

^۱ Colaizzi

^۲ Glaser & Strauss

۵- سازماندهی معانی تدوین شده در خوشه‌های مضامین: فرایند ضمن بررسی و جابجایی مقوله‌های بدست آمده از مرحله قبل مقوله‌های مرتبط به هم در قالب کدهای انتزاعی‌تر تحت عنوان مضمون قرار می‌گیرند.

۶- ارائه توصیفی جامع از طریق تلفیق همه خوشه‌های مضامین و معانی تدوین شده

۷- اعتبارسنجی یافته‌ها: بازگشت به پژوهش‌ها با هدف تایید یافته‌های مطالعه با استفاده از "بررسی اعضا"^۱ جهت اعتبارسنجی یافته‌ها (پراوینا و ساسیکومار^۲، ۲۰۲۱؛ بهم^۳، ۲۰۰۴).

یافته‌ها

یافته‌های خام پژوهش حاصل از مصاحبات با مصاحبه شونده‌گان، مبتنی بر کدگذاری نظری گلیرز و اشتراوس (۱۹۶۷) در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله اول پژوهشگر با اپوخته کردن ذهنیات خود، به خوانش دقیق و خط به خط مصاحبه‌ها پرداخت و به جملات بیان شده پژوهیده‌ها، کدی اطلاق شد. این مرحله که کدگذاری باز نامیده می‌شود، مفاهیم بدست آمدند. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری، از بررسی، جابجایی، حذف و اشتراک معنایی میان مفاهیم، مقوله‌ها حاصل شدند و در مرحله سوم از اشتراکات معنایی میان مقوله‌ها، کدهای انتزاعی‌تر تحت عنوان مضامین استخراج شدند. بنابراین، در سه مرحله کدگذاری، تعداد ۱۶۳ مفهوم، ۱۶ مقوله و ۲ مضمون استخراج گردید که در جدول شماره ۶ به تفکیک ارائه شده است:

جدول ۶. مضامین و مقوله‌های استخراج شده ارزش‌های اجتماعی دوران قاجار

مضمون	مقوله
ارزش‌های اجتماعی پیشامدرن قاجار	جوانمردی/فتوت و بخشندگی
	اعتقاد به سرنوشت الهی
	وارسته و آزاد بودن
	جدای گزینی فضایی/اجتماعی/قومی/مذهبی
	تجمل گرایی و توجه به ظواهر زندگی
	پاکدامنی و عفاف در زنان
	مهمان نوازی و رعایت ادب و احترام

^۱ Member checking

^۲ Praveena & Sasikumar

^۳ Bohm

خویشاوندی و کمک به دیگران	
دین مداری و اجرای مناسک مذهبی	
عدالت محوری و انصاف‌گری	
وطن دوستی	ارزش‌های اجتماعی مدرن قاجار
وارستگی و آزادی خواهی	
پیشرفت فناوری، اقتصادی، اجتماعی و...	
رشد اندیشه وری و روشنفکری	
توجه به علم و علم‌آموزی	
عدالت محوری و انصاف‌گری	

دوران قاجار را به هیچ عنوان نمی‌توان دوره‌ای ثابت از منظر ارزش‌های اجتماعی قلمداد کرد. عصر قاجار پیچ مهمی در گذار ایران از یک جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ای مدرن است که نقطه عطف آن را می‌توان انقلاب مشروطه دانست (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۵)؛ لذا با نظر به این نکته، ارزش‌های اجتماعی دوران قاجار در ۲ مضمون «ارزش‌های اجتماعی پیشامدرن قاجار» و «ارزش‌های اجتماعی پسامدرن قاجار» طبقه بندی شده است. در مضمون «ارزش‌های اجتماعی پیشامدرن قاجار» ۹۵ مفهوم و ۱۰ مقوله «جوانمردی/فتوت و بخشندگی»، «اعتقاد به سرنوشت الهی»، «وارسته و آزاد بودن»، «جدای‌گزینی فضایی/اجتماعی/قومی/مذهبی»، «تجمل‌گرایی و توجه به ظواهر زندگی»، «پاکدامنی و عفاف در زنان»، «مهمان‌نوازی و رعایت ادب و احترام»، «خویشاوندی و کمک به دیگران»، «دین‌مداری و اجرای مناسک مذهبی» و «عدالت محوری و انصاف‌گری» استخراج شده است. همچنین در مضمون «ارزش‌های اجتماعی مدرن قاجار» نیز ۶۸ مفهوم و ۶ مقوله «وطن دوستی»، «وارستگی و آزادی خواهی»، «پیشرفت فناوری، اقتصادی، اجتماعی و...»، «رشد اندیشه وری و روشنفکری»، «توجه به علم و علم‌آموزی» و «عدالت محوری و انصاف‌گری» از تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه به دست آمده است که ضمن استناد به نظرات صاحب‌نظران و اندیشمندان، در ادامه به شرح مختصر مضامین و مقوله‌های مربوط ارزش‌های اجتماعی در دوران قاجار پرداخته می‌شود.

مضمون ۱: ارزش‌های اجتماعی پیشامدرن قاجار

در این بخش به مجموعه ارزش‌هایی پرداخته شده است که همچون میراثی تاریخی از گذشته به عصر قاجار سپرده شدند. این ارزش‌های سنتی در کوران این عصر به همراه طبقات اجتماعی پاسدارشان دگرگون گشتند و حتی در مواردی هنگام تقابل با ارزش‌های مدرن مسیر زوال را طی کردند.

۱. **جوانمردی / فتوت و بخشندگی:** فتوت یکی از نمادین‌ترین و پیچیده‌ترین ارزش‌های اجتماعی ایران در سده‌ی سیزدهم هجری، به مجموعه باورهایی اشاره دارد که حول مفهوم جوانمردی کنار یکدیگر جمع شده‌اند. این ارزش را بیش از هر چیزی امروزه با طبقات اجتماعی حاملش می‌شناسیم. در حقیقت هرچند فتوت ارزشی فراگیر بوده است، اما به صورت مشخص ما در این دوره گروه‌های اجتماعی‌ای را داریم که حامی آن جوانمردی بوده و آیین‌های مرتبط با آن را به شیوه‌های گوناگونی بازتولید می‌کرده‌اند.

جوانمردی یا فتوت، از ارزش‌های دیرینه‌ی جامعه‌ی ایرانی است که سرچشمه‌ی آن به ادیان و کیش‌های ایران باستان می‌رسد. جوانمردی در دوره‌های گوناگون حیات اجتماعی ایران، آیین‌های گوناگونی را به وجود آورد که هریک دارای آداب، اصول و اخلاق خاص خود بوده‌اند (افشاری، ۱۳۹۶: ۷۲۳). در نگاهی کلی می‌توان گروه‌های حامل این ارزش را در طول تاریخ به جوانمردان سیفی و جوانمردان قولی تقسیم کرد؛ اصطلاح جوانمردان سیفی، به گروهی اشاره دارد که اهل جنگجویی و مبارزه بودند، مانند: عیاران، پهلوانان و لوتیان، و در مقابل جوانمردان قولی که بیشتر اهل تصوف و زهد بودند در میان اصناف و پیشه‌وران جای می‌گرفتند (افشاری، ۱۳۹۶: ۷۲۴).

البته باید توجه داشت تمامی گروه‌هایی که خود را به این ارزش پایبند می‌دانستند نزد عموم جامعه دارای محبوبیت نبوده‌اند. این مورد به شدت در مورد جوانمردان سیفی صدق می‌کند. هرچند رسته‌ی پهلوانان که به ورزش‌های پهلوانی مشغول بودند و حتی از سوی حاکمیت نیز موفق به دریافت لقب می‌شدند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۴۹) محبوبیت نسبی داشتند، اما به لوتیان به سبب ایجاد ناامنی در محلات و نقششان در تسویه حساب‌های طبقات اشرافی، نگاهی منفی در سطح جامعه وجود داشت و در نهایت نیز این گروه تا سطح اوباش نزول پیدا کرد (فلور، ۱۳۶۶: ۲۶۲ و ۲۶۶).

۲. **اعتقاد به سرنوشت الهی:** گزارش‌های متعددی که از زندگی اجتماعی مردم ایران در عصر قاجار به دست ما رسیده‌اند گویای آن هستند که در جامعه‌ی قاجاری به باورهای جبری تا پایه‌ی یک ارزش ارج نهاده می‌شده است. در حقیقت، ترس و بی‌ثباتی در زندگی اجتماعی موجب رواج اعتقاد به نیروهای مافوق طبیعی شد (کدیور، ۱۴۰۱: ۲۰۴) و باور تسلیم به سرنوشتی از پیش نوشته شده، چنان قوت یافت که سبک زندگی مختص به خود را به وجود آورد. بهترین مثال‌ها برای این موضوع را می‌توان در سفرنامه‌های اروپاییان مشاهده کرد. اغلب سفرنامه‌نویسان اروپایی با نگاهی بیرونی و انتقادی به این ویژگی در جامعه‌ی ایران اشاره کرده‌اند. به طور نمونه پولاک، پزشک مشهوری که برای تدریس در دارالفنون در ایران ساکن شده بود در سفرنامه‌ی خود به این موضوع اشاره می‌کند که ایرانیان شدیداً به تقدیر و مشیت الهی باور دارند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۷)؛ موضوعی که لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلستان در عهد ناصری نیز بر آن دست می‌گذارد و از برای مثال

بیان می‌کند که این ارزش تا آن پایه در میان ایرانیان محترم است که هیچ کار خود را بدون رجوع به فال‌گیران انجام نمی‌دهند (شیل، ۱۳۶۲: ۵۹).

۳. وارسته و آزاد بودن: وارستگی از امور دنیوی و اقتصادی ارزشی است که به مدت سده‌ها، زاهدان و صوفیان آن را در جامعه‌ی ایرانی ترویج کرده‌اند. با وجود آنکه طبقات اشرافی عموماً نسبتاً به این ارزش بی‌اعتنا بوده‌اند، اما در میان طبقات پایین جامعه وارستگی ارزشی همیشگی بوده است. در دوران قاجار سه گروه دراویش، لوتیان و متکدیان را می‌توان شاخص‌ترین حاملان این ارزش اجتماعی به شمار آورد. هرچند در آستانه‌ی دوران مدرن به سبب بدبینی به لوتیان و متکدیان این ارزش اجتماعی مورد تردید قرار گرفت و به آن به چشم بهانه‌ای برای بیکارگی و طفیلی بودن نگریست شد، اما دراویش همچنان با اعتبار اجتماعی خود موجب پاسداشت این پدیده به مثابه‌ی نوعی ارزش اجتماعی در جامعه‌ی قاجاری می‌شدند (کدیور، ۱۴۰۱: ۵۸-۶۲).

۴. جدای‌گزینی فضایی/اجتماعی/قومی/مذهبی: بررسی جامعه‌ی موزاییکی ایران در آغاز دوران قاجار نشان‌دهنده‌ی میل شدید اعضای این جامعه به جدای‌گزینی در حوزه‌ی مذهبی است. هرچند نگاه ایرانیان به اقلیت‌های مذهبی متفاوت بود و زرتشتیان و مسیحیان اعتباری بسیار بیشتر از یهودیان داشتند (ویلیس، ۱۳۶۳: ۳۱۳)، اما جدای‌گزینی گروه‌های اعتقادی و مذهبی در میان شهرنشینان عصر قاجاری، ارزشی غیرقابل چشم‌پوشی محسوب می‌شده است.

این ارزش بیش از هر جا خود را در بافت‌های شهری و تخصیص فضاها به مسلمانان و غیرمسلمانان نمایان می‌کند. اقلیت‌های مذهبی مانند زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان به سبب نجس شمرده شدن حق ورود به حمام‌های عمومی مسلمانان را نداشتند (کدیور، ۱۴۰۱: ۱۴۴) و مرده‌هایشان نیز حق دفن در گورستان مسلمانان را نداشت (کدیور، ۱۴۰۱: ۱۵۵). همچنین باید اشاره کرد که در بسیاری از شهرها، گروه‌های اعتقادی و مذهبی در محلات مختلفی ساکن می‌شدند؛ به طور نمونه در کرمان میان مجتهدی‌های دوازده امامی، کریم‌خانی، شیخی، صوفی، یهودی و زرتشتی جدای‌گزینی مکانی شدیدی وجود داشت و شیراز نیز به پنج محله‌ی شرقی حیدری، پنج محله‌ی غربی نعمتی و یک محله‌ی یهودی در حومه‌ی شهر تقسیم می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۲۳).

۵. تجمل‌گرایی و توجه به ظواهر زندگی: علی‌رغم آنکه وارستگی در اقشار پایین جامعه‌ی قاجاری ارزشی درخور توجه به حساب می‌آمد، اما تجمل‌ارزشی جدا نشدنی از سبک زندگی اقشار اشرافی و مرقه‌جامعه به حساب می‌آمد؛ به گونه‌ای که ناظران بیرونی گاهی ایران را به چشم کشور «تشریفات عالی و مطمئن» می‌دیدند (سرن، ۱۳۶۳: ۳۷۹). اما در حقیقت زندگی پرزرق و برق و پرتجمل‌راهی بود که اقشار بالای عصر قاجار، یا همان اعیان، از طریق آن خود را از سایر اقشار متمایز

می‌ساختند. هرچند مظاهر این ارزش اجتماعی را می‌توان در منابع کتابخانه‌ای و از طریق گزارش‌های مرتبط با مراسمات، شیوه‌ی پوشش، خوراک و مواردی از این دست مشاهده کرد، اما خانه‌ها جایی هستند که به رساترین شکل ممکن این ارزش را بازنمایی می‌کنند. خانه‌های اعیانی قاجار با تزیینات داخلی، ورودی‌های کاشیکاری و گچ‌کاری‌شده، اختصاص فضاهای جداگانه به پذیرایی مهمان، داشتن فضاهای خدماتی وسیع (محمدحسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲) و همچنین حمام‌های اختصاصی برای اجتناب از رفتن به حمام‌های عمومی (کدیور، ۱۴۰۱: ۱۴۴) به خوبی می‌توانند اهمیت تجملات و نقش تمایز بخش آن را برای جامعه‌ی دوره‌ی مورد مطالعه‌ی ما آشکار سازند.

۶. پاکدامنی و عفاف در زنان: عفاف در معنای پوشیدگی و مستوری زنان از ویژگی‌های مورد تأکید در ایران قاجاری است. هرچند زنان ایلاتی و روستایی به سبب سبک زندگی خود، در اجتماع خود حضوری فعال و آشکار داشتند، اما زنان شهری دارای وضعیت متفاوتی بودند (کدیور، ۱۴۰۱: ۲۵۷). دست‌کم تا عهد ناصری پوشیدگی زنان، ارزش بی‌چون و چرای زندگی شهری بود به گونه‌ای که زنان طبقات بالا کمترین حضور را در فضاهای عمومی مختلط داشتند و شأن اجتماعی زنان طبقات پایین به سبب حضور در این فضاها تنزل می‌یافت (ویلس، ۱۳۶۳: ۱۰۱).

در این دوره پوشیدگی زنان در مقام یک ارزش اجتماعی بیش از هر جای دیگری خود را در پوشاک و همچنین جداسازی فضاها نمایان می‌ساخت. بررسی‌ها گویای آن‌اند که هرچند پارچه‌ها و تزیینات مورد استفاده‌ی اعیان قابل مقایسه با طبقات دیگر نبود، اما در نهایت نوع پوشش‌های زنان در فضای عمومی تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و بر پوشیدگی تمام بدن زن از جمله چهره تأکید داشت (کدیور، ۱۴۰۱: ۲۵۴). البته لازم به ذکر است که از اواخر دوره‌ی ناصری، مد لباس زنان شهری آزادانه‌تر و به تدریج از شدت پوشیدگی آن کمتر شد (کدیور، ۱۴۰۱: ۲۵۹).

خانه‌های قاجاری، خصوصاً خانه‌های اعیانی، با تفکیک فضاها به اندرونی و بیرونی، دو عرصه‌ی مجزاً برای حیات مردانه و زنانه تعریف می‌کردند؛ به گونه‌ای که مهمانان و نامحرمان در کمتر مواردی اجازه‌ی تردد به بخش‌های داخلی‌تر خانه را می‌یافتند. این تمایز تا سرآغاز عصر پهلوی نیز همچنان برقرار بود و نمودی از باور به پوشیدگی زنان (اهل منزل) بود (محمدحسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲).

۷. مهمان‌نوازی و رعایت ادب و احترام: مهمان‌نوازی جزء ارزش‌هایی است که بنابر گزارش‌های متعدّد، بیشترین عمومیت را در ایران قاجاری دارد (کدیور، ۱۴۰۱: ۲۸۵). احتمالاً بهترین جایی که بتوان ردّ پای این موضوع را مشاهده کرد، متونی است که مسافران به عنوان سفرنامه از خود به جای گذاشته‌اند؛ مطالعات در این زمینه گویای این هستند که پذیرش بیگانگان و استقبال از آن در سفرنامه‌های اروپاییان به عنوان یک ویژگی مثبت حضوری بسیار پررنگ دارد (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۳).

ادوارد براون به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند که میزبان ایرانی همواره در کوشش است تا بیشترین اسباب راحتی را برای میهمانش فراهم آورد (براون، ۱۳۷۵: ۱۸۸) و بررسی سفرنامه پولاک نیز بیانگر آن است که این صفتی عام برای طبقات بوده و حتی نوکران نیز از این خرسند می‌شوند که تمامی حقوق ماهیانه‌شان را صرف پذیرایی کنند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰). البته روشن است که امکانات طبقات گوناگون برای تحقق این ارزش متفاوت بوده و اعیان با اختصاص دادن اتاق‌هایی مختص به مهمان، این موضوع را حتی در معماری خود نمود بخشیده‌اند (محمدحسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲).

۸. دین‌مداری و اجرای مناسک مذهبی: از شاخصه‌های جامعه‌ی ایران در دوران قاجار نفوذ دین و نهادهای دینی در لایه‌ها و عناصر گوناگون این جامعه است. خصلت دینی این جامعه را می‌توان بیش از هر جای دیگر در قدرتی مشاهده کرد که به نهادهای دینی بخشیده بود (بی‌زبان و اجتهادی، ۱۳۹۸: ۳۴). در این دوره روحانیون در تمام شئون مملکت نفوذ داشتند (فصیحی و منصور، ۱۳۹۴: ۱۲۷)؛ برای نمونه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نیمی از دستگاه قضایی دوگانه‌ی کشور در این دوره به دست آنان اداره می‌شد (فلور، ۱۳۶۶: ۱۳۷)، موقوفات زیر نظر آنان اداره می‌شد و دارای مالیات مذهبی (وجوهات) بودند (بی‌زبان و اجتهادی، ۱۳۹۸: ۳۴). این امتیازات بزرگ سیاسی و اقتصادی در کنار اعتبار اجتماعی، موجب گسترش فزاینده‌ی نهاد روحانیت در عصر قاجار شد به گونه‌ای که براساس گزارش‌ها در اوایل دوره‌ی قاجار تنها ۵ مجتهد در ایران وجود داشت، اما در اواخر آن این آمار به حدود ۱۰۰ مجتهد افزایش پیدا کرد (فلور، ۱۳۶۶: ۱۳۸).

در کنار قدرت نهادهای مذهبی، فربگی مناسک مذهبی در این دوره نشان دیگری از اهمیت اجتماعی دین در تاروپود زندگی اجتماعی عصر قاجاری است. اعیاد مذهبی (قربان، فطر و غدیر)، بنابر گزارش‌های موجود بسیار ارج نهاده می‌شدند و مناسک مرتبط با محرم، از جمله تعزیه، در دوران ناصری به اوج رونق و شکوفایی خود رسید؛ هرچند پس از این دوره و در آغاز دوران مدرن به سبب نفوذ گرایش‌های نواندیشانه و همچنین تلاش جهت کاهش مخارج، فرم‌های کم‌هزینه‌تری همچون نوحه‌خوانی جایگزین شدند (کدیور، ۱۴۰۱: ۲۴۲-۲۴۵)، اما از پایبندی به دین در تمامی جنبه‌های زندگی کاسته نشد و خداآوری و دین‌داری در زوایای مختلف زندگی ایرانیان سده‌ی سیزدهم قابل مشاهده بود (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۲).

۹. خویشاوندی و کمک به دیگران: هنگام بررسی جامعه‌ی ایرانی در عصر قاجار پیش از هر چیز باید به یاد داشته باشیم که ما اساساً با جامعه‌ی روستایی-ایلاتی و طایفه محور طرف هستیم (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۴۸). در این دوره تنها بیست درصد مردم ایران شهرنشین بودند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۶۱) و طبیعی بود که همین گروه حداقلی تحت تأثیر فرهنگ حداکثری طایفه‌ای قرار گیرد.

طایفه محوری این فرهنگ عمومی به معنای اهمیت بسیار بالای موضوع خویشاوندی برای ایرانیان این دوره است.

۱۰. عدالت محوری و انصاف گری: شاید عدالت بهترین ارزشی باشد که بتوانیم با آن بخش ارزش‌های اجتماعی پیشامدرن در عصر قاجار را به اتمام برسانیم. این حسن ختام از این جهت است که این ارزش به مدتی طولانی از ارزش‌های بنیادین فرهنگ ایرانی بوده است و در دوران مدرن نیز اولین ارزش سنتی‌ای بود که خود را با الزامات جهان مدرن هماهنگ کرد. شرح تحول این ارزش در سرآغاز مدرنیته‌ی ایرانی را در بخش ارزش‌های اجتماعی مدرن بیان خواهیم کرد و در اینجا به صورت‌بندی سنتی آن اکتفا می‌کنیم.

با توجه به چندپاره و پیچیده بودن فرهنگ ایرانی، پایداری مفهوم عدالت در گذر تاریخ به چند بعدی بودن آن انجامیده است. ما در دوران قاجار و پیش از بازسازی مدرن این مفهوم، شاهد دست‌کم چهارقرائت از این ارزش هستیم: عدالت توزیعی، عدالت از منظر فلسفی، قرائت اندرزنامه‌ای (نصایح الملوک) و قرائت فقهی (فلاح توتکار، ۱۳۸۰: ۱۸۹-۱۹۹). در این قرائت‌ها، سوای از اینکه در کدام قشر جامعه رواج دارند، فقدان ایده‌ی برابری و ویژگی‌ای محسوس است. در حقیقت این قرائت‌ها بیش از آنکه عدالت را در قالب بورژوازی و مرتبط با برابری در نظر بگیرند (همان، ۲۰۰) به صورت سنتی درک می‌کردند و آن را در معنای جایگیری پدیده‌ها و اشخاص در جایگاه مناسب تلقی می‌کردند. همچنین توجه به این نکته دارای اهمیت است که این برداشت از عدالت در بافت جامعه‌ی سنتی دوران قاجار ارزشی در نظر گرفته می‌شده است که نهادهای سنتی دوگانه، یعنی نهادهای عرفی و شرعی قادر به پیگیری و تحقق آن هستند (فلور، ۱۳۶۶، ۱۳۷).

مضمون ۲: ارزش‌های اجتماعی مدرن قاجار

با شکست ایران در جنگ‌های روسیه در دوران فتحعلی شاه، ایران از منظر سیاسی دچار شوک عظیمی گشت. فشار وارد آمده از این شکست بود که سیاستمداران ترقی‌خواه ایرانی (همچون عباس میرزا) را به فکر آشنایی با تمدن غربی انداخت (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۴) و نخستین کاروان معرفت را به سوی اروپا به حرکت در آورد (مینوی، ۱۳۳۲: ۲۳۲). همین جریان بود که با اعزام دانش‌آموزان به اروپا و سپس تأسیس نهادهای مدرن در ایران زمینه‌ی آشنایی با فرهنگ غربی را به وجود آورد. ایران در دوران امیرکبیر و میرزااحسین خان سپهسالار همچنان افتان و خیزان در مسیر مدرنیزاسیون گام برداشت؛ به گونه‌ای که سرانجام قشر جدیدی از نخبگان در جامعه‌ی ایرانی شکل گرفتند که آشنا با ارزش‌های اجتماعی مدرن و مبلغ آن بودند. در حقیقت نوسازی ایران نمی‌توانست در عرصه‌ی سیاسی محدود بماند و به زودی ارزش‌های اجتماعی مدرن را با خود به جامعه‌ی ایرانی وارد کرد. این جریان که در جنبش مشروطه به بلوغ خود رسید، مجموعه‌ای از ارزش‌های نوین را در ایران

نهاده‌ینه ساخت که تا پیش از آن بی‌سابقه بودند. در این بخش این ارزش‌ها را مورد بررسی دقیق‌تر قرار می‌دهیم.

۱. وطن‌دوستی: دوست‌داشتن و دفاع از سرزمین مادری ارزشی است که سابقه‌ای طولانی در فرهنگ ایرانی داشته و در اساطیرش نمودی برجسته دارد؛ با این وجود، باید تصریح کرد که مفهوم وطن‌دوستی یا حبّ وطن، ارزشی مدرن و سراپا نوین بوده که در ایران عصر قاجار برای نخستین‌بار سربرآورد. با شکست ایران از روسیه در ابتدای عصر قاجار به تدریج مفهوم حبّ وطن در ادبیات فارسی نمودی پررنگ یافت (آبادیان، ۱۳۹۳: ۱۹۵) و از آنجاکه این درک از وطن، برخلاف درک سنتی، نه بر انفعال بلکه بر مشارکت و فعالیتّ عموم بود که بنا می‌شد، هم‌پای جنبش مشروطه‌ی ایران و ارتقای مردم ایران از رعیت به ملت بود که در جامعه‌ی ایرانی رشد و توسعه یافت (نیکویخت و زارع، ۱۳۸۵: ۱۳۸). در حقیقت ما در دوران مشروطه شاهد مسلط شدن تدریجی ارزش‌های وطن‌پرستانه و ناسیونالیستی در فضای فرهنگی و سیاسی کشور (شعر و مطبوعات) هستیم (علیزاده و طرفداری، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

پیدایش این ارزش در آغاز ایران مدرن و تکیه‌ی آن بر مفهوم «خود» و «دیگری»، زمینه‌های لازم را برای تحولات فرهنگی از جمله باستان‌گرایی دوره‌های بعدی مهیا کرد (آبادیان، ۱۳۹۳: ۲۰۷-۲۰۹)؛ ارزشی که نمود آن را می‌توانیم به وضوح در ادبیات و همچنین معماری دوران پهلوی به خوبی مشاهده کنیم.

۲. وارستگی و آزادی خواهی: همانطور که در بخش قبل به آن اشاره کردیم، در سرآغاز ایران مدرن وطن‌دوستی هم‌پای تکوین حقوق شهروندی بود که رشد پیدا کرد. به عبارت دیگر دقیقاً زمانی که مفهوم وطن‌دوستی در فضای فرهنگی کشور، به خصوص نزد طبقات پیشرو اجتماعی به یک ارزش اجتماعی بدل می‌شد، حقوق شهروندی و سرآمد آن‌ها یعنی آزادی نیز به ارزشی اساسی ارتقا یافت (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۱: ۸۳).

آزادی در عصر قاجار از معنای سنتی خود جدا شد و در معنای جدیدش به معنای رهایی از استبداد در پناه قانون، نظر طبقات ترقی‌خواه و اروپادیده‌ی ایرانی را به خود جلب کرد. خاستگاه این ارزش نیز همچون بسیاری از ارزش‌های مدرن، قشر روشنفکر جامعه‌ی قاجاری بود و نخستین‌بار توسط افرادی همچون میرزا صالح شیرازی، آخوندزاده، طالبوف و... بود که مطرح شد (حاجیان‌پور و قاسمی حیدری، ۱۴۰۰: ۵۷). هرچند این ارزش دارای خاستگاهی نخبگانی بود، اما به تدریج و به وسیله‌ی رسانه‌های روشنفکران در دیگر لایه‌های جامعه‌ی ایرانی عصر قاجار نفوذ کرده و با چنان شدتی گروه‌های اجتماعی را با خود همراه کرد که به انقلاب مشروطه و تحدید سلطنت انجامید (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

۳. پیشرفت فناوری، اقتصادی، اجتماعی و... ترقی یا پیشرفت در مقام یک ارزش اجتماعی مانند دیگر ارزش‌های اجتماعی مدرن دوره قاجار، حاصل آشنایی با جهان غرب و بازندیشی در فرهنگ ایرانی بود. ایده‌ی ترقی بر درکی خطی از تاریخ استوار است و بر این موضوع تأکید دارد که این فرآیند خطی رو به سوی پیشرفت و بهبود دارد (بلالی، ۱۴۰۰: ۱۵۹)؛ در این نگاه، همه‌ی جوامع بر مسیری معین و مشترک راه می‌پیمایند و پیشرفت می‌کنند و جوامع خموده به سبب جمودشان این مسیر را به کندی طی می‌کنند. این ارزش بر این موضوع تأکید داشت که جامعه‌ی مطلوب، یا به عبارتی ملت مطلوب، ملتی است که در این راه گام بردارد تا به پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و علمی دست یابد. با حاکم شدن چنین چشم‌اندازی از تاریخ در دوره‌ی مورد بحث ما، ترقی‌خواهی به سرعت به ارزشی همگانی تبدیل شد. سرآغاز این ایده و بدل شدن آن به یک ارزش اجتماعی فراگیر را می‌توان در جریان نوسازی‌ای مشاهده کرد که در عرصه‌ی سیاست با عباس میرزا آغاز شد و با عملکرد افرادی چون امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار تداوم یافت (آدمیت، ۱۳۵۱: ۱۴-۱۷). اما اوج تاریخی گسترش آن به صورت ارزش را باید در دوران مشروطه و در آثار ادبی‌اش سراغ گرفت (بلالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۴).

۴. رشد اندیشه وری و روشنفکری: منورالفکری پدیده‌ای جدید و منورالفکران قشری نوخاسته بودند که تحت تأثیر فرهنگ اروپا، به خصوص فرانسه، در جامعه‌ی ایران به وجود آمدند و تأثیر بسزایی بر آن گذاشتند. بسیاری از ارزش‌های اجتماعی مدرن در نیمه‌ی دوم سده‌ی سیزدهم، مانند آزادی‌خواهی، علم‌آموزی و وطن‌دوستی به دست منورالفکرها بود که در جامعه ترویج شد. این قشر که از طیف متنوعی از افراد برخاسته از طبقات بازاری و اعیانی جامعه تشکیل می‌شد، نقش مهمی در تغییر نگاه جامعه‌ی ایرانی به عقاید سنتی خود و بازندیشی در اندیشه‌های پیشینش داشت (آبراهامیان، ۱۳۹۷، ۷۹). نقش این طبقه در تحقق ارزش نوظهور ترقی و همچنین تأکید این طبقه بر آرمان‌های اجتماعی محبوبی همچون مشروطیت و ناسیونالیسم موجب شد که در دوره‌هایی مورد اقبال قرار بگیرد (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۷۸)؛ موضوعی که خود روشنفکری را به ویژگی‌ای محبوب دست‌کم در گروه‌های تحصیل‌کرده‌ی جامعه بدل ساخت. این گروه از طریق ارتباط با دیگر طبقات در تحولات فرهنگی این دوره نقش مهمی را ایفا کرد، اما این حقیقتی غیرقابل انکار است که نفوذ این ارزش در معنای اولیه‌اش زودگذر بود زیرا اساساً روشنفکران در جامعه‌ی عصر قاجار در اقلیت مطلق بودند و ارتباط محدودشان با اکثریت جامعه موجب افول جایگاهشان شد (زاهدی و حیدرپور، ۱۳۸۷: ۱۵۹)؛ موضوعی که در نهایت به طور جدی به اعتبار اجتماعی روشنفکری ضربه زد.

۵. توجه به علم و علم‌آموزی: سفرنامه‌های اروپاییان شاهد مهمی در تأیید این موضوع است که ایرانیان از دوران صفوی علاقه‌ی خاصی به علم‌آموزی داشتند و عالمان علوم مختلف اعم از فلسفه،

فقه، نجوم، طب و... را مورد احترام قرار می‌دادند (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۴). با این وجود در میانه‌ی دوران قاجار تحول شگرفی در میل ایرانیان به علم‌آموزی رخ داد که از آشنایی آنان با علوم مدرن سرچشمه می‌گرفت. در این عصر آگاهی نسبت به عقب‌ماندگی ایران و باور به ایده‌ی ترقی که در بخش‌های گذشته به آن اشاره کردیم، زمینه‌های فرهنگی لازم را برای تبدیل شدن فراگیری علم به یک توقع اجتماعی از جوانان طبقات میانه و بالا فراهم کرد. نخستین جلوه‌ی این ارزش جدید گسترش پدیده‌ی اعزام دانشجویان به خارج از کشور بود (تاره، ۱۳۹۶، ۴۶۲) و سپس در تأسیس نهادهای مدرنی همچون دارالفنون تداوم یافت (تاره، ۱۳۹۶: ۴۶۶). از دوره‌ی ناصری به تدریج نظام آموزشی ایران رو به دگرگونی رفت و از نظام مکتب‌خانه‌ای به سوی نظامی مدرن و فراگیر میل کرد؛ تغییری که حامی آن طبقات اجتماعی پیشرو بودند و بیانگر شکل‌گیری ارزش‌های جدیدی در جامعه‌ی قاجاری است. همانطور که مصفاً و سعادت‌ی به خوبی نشان داده‌اند این ارزش جدید به سرعت در بدنه‌ی اجتماعی نفوذ کرد، به گونه‌ای که در میان شاعران این دوره به موضوعی محبوب تبدیل شد (مصفاً و سعادت‌ی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱).

۶. عدالت محوری و انصاف‌گری: هرچند عدالت از ارزش‌های اجتماعی قدیمی در فرهنگ ایرانی است، اما این ارزش در دوران تجددخواهی ایرانیان جامه‌ی جدیدی به تن کرد و در معنای جدید خود بسط و گسترش یافت. گزارش‌ها از عصر قاجار حاکی از آن هستند که دستگاه حاکمه‌ی ایران دچار فساد سیستماتیک و مضمنی بود که خود را در اشکال گوناگونی همچون بی‌قانونی، تبعیض و تاراج اموال مردم آشکار می‌کرد (کریمی، ۱۳۸۶: ۵۱). در همین زمینه‌ی آکنده از فساد بود که ایده‌ی عدالت نزد ایرانیان شروع به بازسازی کرد و مورد اقبال عمومی قرار گرفت. ایده‌ی عدالت مانند بسیاری دیگر از ارزش‌های مدرن عصر قاجار به دست نخبگان و در پیوستگی با مفهوم قانون بود که طرح شد (عامری گلستانی، ۱۴۰۰: ۱۶۴). این پیوستگی بر این باور اتکا داشت که راه عدالت از یک کلمه، یعنی قانون می‌گذرد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۴).

طرح جدید مفهوم عدالت در این دوره دارای دو ویژگی کلیدی است که موجب شده است آن را به صورتی مجزا در دوران مدرن مورد بررسی قرار دهیم و از نمونه‌ی سنتی آن تمیز بخشیم. نخستین ویژگی عدالت به عنوان یک ارزش اجتماعی مدرن ابتدای آن بر مسئله‌ی برابری است؛ بدین معنا که عدالت دیگر نه در معنای سنتی (فقهی، اندرزنامه‌ای و...)، بلکه به معنای برابری همگان برابر قانونی واحد است (عامری گلستانی، ۱۴۰۰: ۱۶۶). دومین ویژگی متمایز عدالت در این دوره نهاد محوری آن است؛ یعنی تلاش برای برقراری آن از طریق نهادی مجزا از سلطنت گذشته (عامری گلستانی، ۱۴۰۰: ۱۷۴). جنبش عدالت‌خانه و حوادث آن از جمله اقدامات روشنفکران، بست‌نشینی

توده‌ی مردم و همچنین مهاجرت علما نشان دهنده‌ی این است که در دوره‌ی مظفری عدالت در معنای مدرنش به ارزشی پر نفوذ تبدیل گشته بود.

نتیجه‌گیری

بررسی مجموعه‌ی ارزش‌های اجتماعی دوران قاجار گویای آن است که ما در این زمان با یک دوران گذار و تحول اساسی در بافت فرهنگی جامعه روبه‌رو هستیم. ایران این دوره را در حالی آغاز کرد که برخوردار از جامعه‌ای پیچیده بود که ارزش‌های گوناگونی را از قرون گذشته با خود حمل می‌کرد. ارزش‌هایی همچون جوانمردی، وارستگی و... به وسیله‌ی سنت به در زندگی ایرانیان سده‌ی سیزدهم شمسی نقش مهمی را ایفا می‌کردند. اما با آغاز بیداری ایرانیان و آگاهی از عقب‌ماندگی خود در اواخر دوران فتحعلی‌شاه به تدریج فرآیندهای دگرگونی فرهنگی نیز در جامعه فعال شدند. این تغییرات در دوران ناصری پی گرفته شدند و در عصر مظفری و مشروطه به اوج خود رسیدند. در این فاصله طبقات اعیان و متوسط جامعه به سبب آشنایی با غرب متوجه‌ی ارزش‌های جدیدی همچون وطن‌دوستی، آزادی‌خواهی و... گشتند (جدول ۶)؛ موضوعی که به شکل‌گیری لایه‌ای از نخبگان اجتماعی به نام منورالفکران گشت. روشنفکران با ترویج ارزش‌های مدرن در سطوح نخبگانی توانستند به صورت غیرمستقیم، در لایه‌های گوناگون جامعه ارزش‌های مدرن را نهادینه سازند و علاوه بر آن درک سنتی از ارزش‌هایی همچون عدالت را متناسب با الزامات عصر جدید بازسازی کنند. بر این مبنا می‌توان گفت که اساساً ما در این دوران با پویایی ارزش‌های اجتماعی روبه‌رو هستیم به گونه‌ای که طبقات جامعه پیوسته برابر ارزش‌های جدید و بازتفسیر ارزش‌های قدیمی خود قرار می‌گیرند. البته با توجه به بررسی‌های صورت گرفته روشن است که همه‌ی طبقات و اقشار اجتماعی به میزانی یکسان، توان ترویج ارزش‌های جدید و همچنین مشارکت در فرآیند بازتفسیر ارزش‌ها را ندارند و به وضوح اقشار پیشرو یعنی نخبگان، که اغلب زمینه‌های بازاری، اشرافی و مذهبی دارند، دارای دست بالا در این دگرگونی هستند؛ از همین‌روست که اگر تحقق ارزش‌های سنتی را می‌توانیم در سراپای زندگی روزمره‌ی همه‌ی اقشار و سامان‌یابی فضاهای عمومی و خصوصی ببینیم، ارزش‌های مدرن این دوره در رسانه‌ها و عرصه‌های نخبگانی، مانند ادبیات، مطبوعات، نهادهای آموزشی و جنبش‌های سیاسی است که نمود می‌یابد.

منابع و مأخذ

- آبادیان، حسین. (۱۳۹۳). *تقدیر تاریخی اندیشه در ایران دوره قاجار*، تهران: نشر علم.

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، مترجم: محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۷). ایران بین دو انقلاب، مترجم: احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۲). اندیشه‌ی ترقی و حکومت قانون، تهران: خوارزمی.
- افشاری، مهران. (۱۳۹۶). تاریخ جامع ایران، جلد ۱۹، تهران: نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۵). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت ارزش‌های مدنی در ایران، آموزش علوم اجتماعی، ۹(۳)، ۳۷-۴۲.
- اینگفهارت، ر. و ولزل، ک. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، مترجم: احمدی، تهران: کویر.
- براون، ادوارد. (۱۳۷۵). یک سال در میان ایرانیان، مترجم: ذبیح‌الله منصوری، تهران: انتشارات صفار.
- بلالی، آرزو، دریسی، افسانه، عالی‌زاد، اسماعیل، شهبازی، مظفرالدین. (۱۴۰۰). بازنمایی ایده‌ی پیشرفت در کتاب احمد اثر طالبوف، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۷(۳۶)، ۱۵۳-۱۷۵.
- بی‌زبان، علیرضا، اجتهادی، مصطفی. (۱۳۹۸). بی‌ثباتی سیاسی در دوره مشروطه از منظر مناسبات دولت و جامعه، فصلنامه علوم اجتماعی. (دانشگاه علامه طباطبایی). ۲۶(۸۷)، ۲۱-۵۸.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- پوریانی، محمدحسین. (۱۳۸۵). تبیین مفهوم ارزش با رویکرد جامعه‌شناختی، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، ۳(۱۱)، ۵۰-۷۷.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان؛ مترجم: کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- تاره، مسعود. (۱۳۹۶). تاریخ جامع ایران، جلد ۱۷، تهران: نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**. تهران: نشر نی.
- حاجی میرآقا، اسماعیل و رنجبری، مینا. (۱۳۹۵). **سیر تاریخی تعلیم و تربیت در ایران باستان**، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی. حاجیان‌پور، حمید، قاسمی حیدری، سوسن. (۱۴۰۰). **مفهوم آزادی و کاربرد آن در گفتمان روشنفکران عصر مشروطه، پژوهشنامه فرهنگ و معارف دینی**، ۲(۱)، ۵۳-۷۰.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، مترجم: م. ثالثی، تهران: علمی فرهنگی.
- ساعی، منصور و وطنی، سونیا. (۱۳۹۴). **بررسی رابطه بین میزان بهره‌مندی از رسانه‌های نوین و میزان پایبندی نسل جوان به ارزش‌های اجتماعی، فصل‌نامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر**، ۹(۳)، ۱۷۳-۲۰۶.
- شهبانی، سیامک، ربانی، رسول. (۱۳۸۸). **تحلیلی بر ارزش‌های اجتماعی جوانان مناطق روستایی اصفهان و عوامل موثر بر آن، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، ۱(۱).
- شهیدانی، شهاب و مهدی‌نسب، کبری. (۱۳۹۷). **اخلاق، عادات و رسوم ایرانیان از نگاه مأموران انگلیسی در عصر ناصری، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان**، ۵۵(۳۷)، ۱۵۳-۱۷۸.
- شیل، لیدی. (۱۳۶۲). **خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در زمان ناصرالدین شاه**، مترجم: حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صارمی، علی اکبر. (۱۳۸۱). **نقش حمایت‌های روانی - اجتماعی - و سلامت روانی**. سمینار بهداشت روانی.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۷). **جامعه‌شناسی ارزش‌ها**، تهران: گنج دانش.
- صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی، کلیات مفاهیم پیشینه**. تهران: ارسباران.
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۸۵). **تأملی درباره ایران**، جلد دوم، بخش اول، مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، تهران: انتشارات ستوده.
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۸۶). **تأملی درباره ایران**، جلد دوم، بخش دوم، نظریه حکومت قانون در ایران، تهران: انتشارات ستوده.

- عابدی، ح. ع. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی، *فصلنامه راهبرد*، ۱۹(۵۴)، ۲۰۷-۲۲۴.
- عقیقی، فائزه. (۱۴۰۱). تحلیل ویژگی‌های برجسته نظامی ایرانیان باستان از منظر نویسندگان غیرایرانی، *فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی*، ۹(۳۳)، ۱۳۹-۱۶۰.
- علیزاده، محمدعلی، طرفداری، محمد علی. (۱۳۸۹). تبارشناسی مبانی هویت ملی در تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه دوران قاجار و مشروطه، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۲(۷)، ۱۳۸۹، ۱۶۱-۱۷۱.
- فصیحی، سیمین، منصوری، مریم. (۱۳۹۴). واکاوی اوضاع مذهبی ایران در عصر ناصری، *تاریخ‌نامه خوارزمی - فصلنامه علمی-تخصصی*، ۳.
- فلاح توتکار، حجت. (۱۳۸۰). عدالت از دیدگاه اندیشه‌گران دوره ناصری، *فصلنامه فرهنگ اندیشه*، ۱(۱)، ۱۸۹-۲۰۵.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار* جلد اول، تهران: انتشارات توس.
- قلی‌زاده، آذر. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی فرهنگی*. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- کازنو، ژان. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، مترجم: ب. ساروخانی و م. محسنی، تهران: اطلاعات، چاپ ۶.
- کدیور، پریسا. (۱۴۰۱). *جامعه‌نگاری عهد قاجار*، تهران: نشر ققنوس.
- کرایب، یان. (۱۳۸۹). *نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک*، مترجم: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر آگه.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۵). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، مترجم: محسن ثالثی، تهران: انتشارات توتیا.
- گال، ج؛ بورگ، و؛ گال، م. د. م. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، تهران: سمت.
- لطف‌آبادی، حسین و فریده، نوروزی. (۱۳۸۳). نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۳(۷)، ۳۳-۵۸.

- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۷۵). **انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، مقایسه انقلاب اسلامی و مشروطیت**، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- محمدحسینی، پریسا، جوان فروزنده، علی، جهانی دولت آباد، اسماعیل، حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). **تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن، نشریه علمی باغ نظر ۱۶، ۳۱-۴۴.**
- مصفا، مظاهر، سعادت‌ی، عباس. (۱۳۹۲). **تحلیل بسامدی علم و دانش در شعر و شعرای برجسته دوره مشروطه، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۵(۱۸)، ۱-۲۲.**
- معین، محمد. (۱۳۶۰). **فرهنگ فارسی**، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۶). **دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر تهران، فصلنامه باغ نظر، ۷(۴).**
- مینوی، مجتبی. (۱۳۳۲). **اولین کاروان معرفت**، مجله یغما سال ششم.
- نیکوبخت، ناصر، زارع، غلامعلی. (۱۳۸۵). **وطن در شعر مشروطه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۴(۵۴)، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.**
- وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). **مبانی جامعه‌شناسی**، تهران: انتشارات بهینه.
- ودادهیر، ابوعلی و محمدی، عاطفه. (۱۳۹۴). **بررسی جامعه‌شناختی تغییرات ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی بازاریان تبریز، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵(۱۴)، ۱۲۳-۱۶۰.**
- وکیلی، شروین. (۱۴۰۰). **ایران، تمدن راه‌ها**، تهران: انتشارات خوشبین.
- ویلس، چارلز جیمز. (۱۳۶۳). **تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه**، ترجمه سید عبدالله، چاپ اول تهران: انتشارات زرین

References

- Abalos, E. E., Locsin, R., & Schoenhofer, S. (2016). Husserlian Phenomenology and Colaizzi's Method of Data Analysis: Exemplar in Qualitative Nursing Inquiry Using Nursing As Caring Theory. *Journal of the ResearchGate*, 20, 19-23.
- Bohm, A. (2004). *Theoretical Coding: Text Analysis in Grounded Theory*, SAGE Publications, 270-274
- Creswell, J. W. (2007). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*.
- Ergil, D. (1984). *Society and human*. Ankara: Turhan Kitabevi
- Praveena, K. R., & Sasikumar, S. (2021). Application of Colaizzi's Method of Data Analysis in Phenomenological Research, *Medico-legal Update*, 21, 914-918.